

درس هفتم و هشتم:
شاخصهای سخنرانی مطلوب و نامطلوب
مواد سخنرانی

۶

سخنرانی زبانی

گروه علمی مهارتهای خطابی
پژوهش و تدوین: حسین ملانوری

درس هفتم

اهداف این درس:

۱. رسیدن به درک روشن تری از سخنرانی مطلوب؛
۲. افزایش توان اجمالی برای نقد و بررسی سخنرانیها؛
۳. شناخت برخی از شاخصهای سخنرانی مطلوب و نامطلوب.

* * *
تال من علوم انسانی

در درس پیش با وجوه مطلوبیت سخنرانی در دو حوزه «آگاهی و اندیشه مخاطب» و «احساسات و علایق مخاطب» آشنا شدیم. در این درس، پس از بیان وجوه مطلوبیت سخنرانی در حوزه «رفتار مخاطب»، برخی شاخصه‌های سخنرانی نامطلوب را توضیح می‌دهیم.

ج) رفتار مخاطب

سخنرانی مطلوب در حوزه رفتار و عملکرد مخاطب، دارای نشانه‌هایی است که برخی از آنها را بررسی می‌کنیم.

۱. تغییر تظاهرات رفتاری منفی

گاهی شنوندگان با بی‌اعتنایی، بی‌تفاوتی و بی‌میلی با سخنران برخورد می‌کنند و علاقه‌ای به شنیدن سخنان او ندارند. آنها عدم علاقه و مخالفت خود را با یک سری علائم فیزیکی مانند: طرز نشستن، نحوه نگاه کردن، حرکات جسمی، و یا حتی با میزان سکوت خود نشان می‌دهند. معمولاً کسانی که به اجبار در جلسه سخنرانی حاضر شده‌اند و یا هدف آنها از حضور در جلسه، چیزی غیر از سخنرانی بوده است، چنین واکنشهایی دارند.

چنانچه سخنران بتواند تظاهرات رفتاری مخاطب را از بی‌اعتنایی یا مخالفت به موافقت و یا حتی اشتیاق تغییر دهد، کاری هنرمندانه و مطلوب انجام داده است.

حفظ آرامش، خونسردی و مهربانی در برخورد با مخاطب، بیان مطالب مورد نیاز و علاقه او، نمایش بی‌اعتنایی خود در مقابل بی‌اعتنایی مخاطب در عین برقراری ارتباط دوستانه با او و پرهیز از رفتار متکبرانه، می‌تواند در تغییر تظاهرات رفتاری مخاطبان مخالف و بی‌اعتنا نقش داشته باشد.

۲. اظهار تأیید سخنران

در صورتی که شنونده، مطالب سخنران را بفهمد و بپذیرد و یا حس او برانگیخته شود، معمولاً به نوعی وی را تأیید می‌کند. اظهار تأیید سخنران از سوی مخاطب، یک نشانه از مطلوب بودن سخنرانی است که در رفتار وی بروز می‌کند. این امر، گاهی با فرستادن صلوات، تکبیر گفتن، شعارهای سیاسی و ... و گاه با حرکات فیزیکی سر و بدن انجام می‌شود. سخنران با این‌گونه حرکات می‌تواند به ارزیابی تأثیر سخنان خود در شنوندگان پردازد.

البته باید توجه داشت که برخی مخاطبان به سبب داشتن فرهنگ خاص و یا عاداتهای رفتاری ویژه، ممکن است در عمل، به سخنان سخنران واکنش نشان ندهند. در چنین شرایطی نباید واکنش نداشتن آنان را دلیلی بر عدم فهم و یا نپذیرفتن قلمداد کرد.

شیوه سخن گفتن و رفتار سخنران در حین سخنرانی و یا پیش از آن در اظهار تأیید از سوی مخاطبان بسیار مؤثر است. زمانی که مخاطب به هر دلیلی نسبت به گوینده مذهبی علاقه‌مند باشد، راحت‌تر سخن او را تأیید می‌کند. علاوه بر این برخی سخنوران با طرح سؤال، ناتمام گذاشتن بعضی جمله‌ها و ... شنوندگان را به اظهار تأیید وا می‌دارند.

۳. اظهار تأثیر مخاطب

اظهار تأثیر مخاطب در سخنرانی دینی، امری طبیعی و از نشانه‌های موفقیت سخنران در تحریک احساسات مخاطبان است. این امر، به صورتهای مختلف، مثل: گریه کردن، به پیشانی زدن و ... نمود پیدا می‌کند. بیان مطالب متأثر کننده، به‌کارگیری روشهای تحریک احساس و فرصت دادن به مخاطب برای اظهار تأثیر خویش، از نکات قابل توجهی است که لازم است درباره‌ی این شاخصه موفقیت سخنرانی مورد توجه قرار گیرد.

شایان ذکر است که تلاش بیش از حد برای تحریک احساس مخاطبان و نیز بروز زود هنگام احساسات سخنران، می‌تواند در جریان تأثیرگذاری بر احساس شنوندگان تأثیر نامطلوب بگذارد.

معیار کلی در این مسئله، همراه بودن احساسات مخاطب با احساسات گوینده است.

همچنین باید توجه کرد که گاهی اظهار تأثیر زود هنگام و یا بیش از اندازه بعضی افراد در جلسه، عامل اختلال در ارتباط سخنران با مخاطب است و حتی مسیر جلسه را به جایی دیگر می‌برد که باید با درایت، مجلس را مدیریت کرده، احساسات توده مردم را در نظر گرفت. ملاک در این مسئله، اظهار تأثیر توده مخاطبان است؛ نه افراد خاص.

۴. تصمیم به تغییر یا آغاز نوعی رفتار

چنانچه سخنرانی در حوزه تأثیرگذاری بر رفتار مخاطب موفق باشد، غالباً پس از آن تصمیم به تغییر رفتار یا آغاز نوعی رفتار در شنوندگان ایجاد می‌شود.

گاه مخاطب، تحت تأثیر سخنرانی تصمیم می‌گیرد که رفتار خود را تغییر دهد؛ مثلاً اگر گناهانی مانند: غیبت، دروغ، ترک نماز و ... مرتکب می‌شده است، تصمیم می‌گیرد و سعی می‌کند که چنین نکند.

گاهی نیز پس از شنیدن سخنان سخنران و اقناع اندیشه و تحریک احساسات دینی و عواطفش تصمیم می‌گیرد تا پایان عمر، رفتار خاصی را انجام دهد؛ مثلاً نماز اول وقت بخواند، روزه بگیرد، راست بگوید و ...

البته در صورت موفقیت‌آمیز بودن سخنرانی، هر دو تصمیم با هم صورت می‌گیرد و مخاطبان سعی می‌کنند رفتارهای غلط خود را کنار گذاشته، به رفتارها و عملکرد مطلوب دینی توجه کنند و به آنها پایبند باشند.

۵. تبلیغ از سخنرانی

یکی از نشانه‌های مطلوب بودن سخنرانی، تبلیغ مخاطب از مجلس سخنرانی است. این تبلیغ، نشانه موفقیت سخنران از جهات مختلف است که در مجموع، سخنرانی او را برای مخاطب پرجاذبه کرده است؛ به حدی که برای حضور دیگران نیز تبلیغ می‌کند.

۶. تقدیر و تشکر

اگر سخنرانی، مؤثر و مطلوب باشد و شنوندگان بهره کافی از آن برده باشند، بی‌درنگ پس از سخنرانی، از بانیان و برگزار کنندگان و به‌ویژه از خود سخنران تشکر می‌کنند.

این تقدیر و تشکر در جمع شدن گرد سخنران، دست‌دادن و اظهار لطف به او و ... ظهور می‌کند.

گویندگان مذهبی در چنین مواقعی می‌توانند از نوع مطالبی که مردم بیان می‌کنند برای تقویت سخنرانی‌های خود از نظر محتوا و روش استفاده کنند. البته لازم است سخنرانان، توفیقات به دست آمده را از ناحیه خدا دانسته، از او به سبب الطاف بی‌پایانش سپاسگزار باشند.

نشانه‌های سخنرانی نامطلوب

پس از مرور صفات و ویژگیهای یک سخنرانی مطلوب، نوبت آن است که به وضعیت مقابل آن توجه کنیم. نبودن نشانه‌های سخنرانی مطلوب، نشان‌دهنده نامطلوب بودن سخنرانی است؛ اما علاوه بر آن، علائم دیگری هم بر نامطلوب بودن سخنرانی دلالت دارد.

بیان این علائم ما را در ارزیابی بهتر از سخنرانیها کمک می‌کند و راه را برای یافتن روشهای مناسب هموار می‌سازد. آنچه در این درس مرور می‌شود، اهم صفات سخنرانی نامطلوب است. این صفات، در رعایت نکردن اصول، روشها و اسلوبهای سخنرانی ریشه دارد.

۱. خسته کننده بودن

از جمله ویژگیهای سخنرانی نامطلوب آن است که مخاطبانش را خسته کند. این خستگی، ممکن است خود را در رفتار یا گفتار شنوندگان نشان دهد. برخی عوامل خسته‌کننده شدن سخنرانی عبارت‌اند از:

(الف) یکنواخت حرف زدن؛

(ب) ناهماهنگی بین محتوا، لحن، صوت و حرکات دست، سر و چشم؛

(ج) مفید نبودن مطالب؛

(د) فاقد احساس بودن سخنان.

۲. احساس تکراری بودن

احساس تکراری بودن سخنرانی و نه لزوماً خود تکرار، یکی از صفات سخنرانی نامطلوب است. گاهی، مطالب تکراری است و لازم هم هست که تکراری باشد؛ ولی مخاطب، احساس تکراری بودن ندارد. مواعظ و نصایح، بیشتر جنبه تکراری دارد و نامطلوب هم نیست.

همچنین بسیاری از غیر مواعظ ممکن است به دلایلی تکرار شوند؛ ولی سخنران آن‌چنان هنرمندانه، جذاب و مفید، آنها را مطرح می‌کند که مخاطب، احساس تکراری بودن نکند. در این صورت، سخنرانی نامطلوب نخواهد بود.

احساس تکراری بودن، زمانی در مخاطب ایجاد می‌شود که سخنران با جملات، الفاظ و مثالهای تکراری، یک موضوع تکراری را مطرح کند. هرچند، سخنان ما شیرین و دلنشین باشند؛ اما با تکرار محتوا و الفاظ، لطف خود را از دست داده، نامطلوب خواهند شد.

سخن گرچه دل‌بند و شیرین بود سزاوار تصدیق و تحسین بود

چو یک بار گفتی، مگو باز پس که حلوا چو یک بار خوردند، بس

۳. برانگیختن مخالفت مخاطب

گاهی سخنرانی به گونه‌ای صورت می‌گیرد که از همان ابتدا و یا در ادامه، مخالفت مخاطب را بر می‌انگیزد. عوامل برانگیختن مخالفت مخاطب عبارت‌اند از:

(الف) مخالفت با عقاید مسلم مخاطب بدون مقدمه‌چینی لازم؛

(ب) مستند نبودن مطالب حساسیت برانگیز؛

(ج) تحقیر شنونده از طریق سخنان تحقیرآمیز؛

(د) پایین بودن شخصیت سخنران نزد مخاطب؛

(ه) مخالفت با فرهنگ بومی و ملی مخاطب؛

(و) اصرار زیاد بر بدیههای موجود و نادیده گرفتن نقاط مثبت مخاطب؛

(ز) نقد دائم مخاطب؛

(ح) گره‌های مستقیم مطالب با مخاطب درباره صفات و اعمال منفی.

۴. بر چسب نامطلوب خوردن به سخنران

گاهی برداشت مخاطب، این است که سخنران، لیاقت سخنرانی ندارد. این برداشت، دلایل مختلفی مثل: رفتار سخنران، نحوه ارائه سخنرانی، حرفها و حدیثهای مطرح در جامعه، شرایط سیاسی و حزبی، سوء تفاهمهای ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و... می‌تواند داشته باشند. یکی از دلایل مهم برچسب نامطلوب خوردن به سخنران، ارائه سخنان ناپسند است.

امام علی علیه السلام فرمود: «عَوْدُ لِسَانِكَ حُسْنَ الْكَلَامِ تَأْمِنُ الْمَلَامَ»^۱ زبان خویش را به سخنان پسندیده عادت ده تا از سرزنش [دیگران] در امان باشی.»

چند نکته

۱. اگر روشهای جذاب سازی کلام، نو کردن بحث، استدلالی کردن سخن و... اجرا شود؛ اعم از اینکه ناظر به محتوا یا چینی یا اجرا باشد، در بسیاری از موارد سخنران و سخنرانی را از صفات نامطلوب دور می سازند.

۲. بعضی از صفات نامطلوب به اجرای سخنرانی، مربوط می شود. برخی مربوط به محتوا و بعضی دیگر به شخصیت سخنران، مربوط است. برخی نیز به چینی مباحث و بعضی به همه موارد مرتبط است؛ مثلاً خسته کننده بودن، گاه به خاطر اجرا است و گاهی به خاطر محتوا، یا احساس تکراری بودن مطالب بیشتر به محتوا مربوط است و گاهی به سبب اجرای نامناسب، و برانگیختن مخالفت مخاطب به محتوا، چینی و اجرا مربوط است.

همین طور برچسب نامطلوب خوردن به سخنران، گاهی مربوط به خود اوست و رفتار قبل و بعد از منبرش، و گاه به مسائل اجتماعی حاکم ربط پیدا می کند و گاهی مربوط به عواملی مانند: محتوا، چینی و اجرای سخن است. بسیاری از مخالفت های اجتماعی با سخنران و برانگیخته شدن مخالفت مخاطبان، به شتابزدگی، جو زدگی و روزمرگی سخنران بر می گردد که اگر روی مباحث کار کند و با طرح و برنامه پیش رود، کمتر چنین مشکلاتی پیش می آید. در حدیث آمده است: «التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ»^۲ اندیشیدن قبل از کار، تو را از پشیمانی در امان می دارد.»

۱. معجم الفاظ غرر الحکم و درر الکلم، مصطفی درایتی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات

اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق، ص ۹۹۵.

۲. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۳۸۸.

پرسش‌نامه

۱. نشانه‌های سخنرانی مطلوب در حوزه رفتار مخاطب را برشمرده، اندکی توضیح دهید.
۲. چگونه می‌توان تظاهرات رفتاری مخاطب را از بی‌اعتنایی یا مخالفت به موافقت و اشتیاق تبدیل کرد.
۳. آیا واکنش نشان ندادن مخاطب به سخنان سخنران، دلیل نفهمیدن و یا نپذیرفتن مطالب است؟ چرا؟
۴. چه چیزهایی در اظهار تأیید سخنرانی از سوی مخاطبان مؤثر است؟
۵. چه عواملی در جریان تأثیرگذاری بر احساس مخاطب، تأثیر نامطلوب می‌گذارد؟
۶. عوامل خسته‌کننده‌شدن سخنرانی کدام‌اند؟ اندکی توضیح دهید.
۷. عوامل برانگیختن مخالفت مخاطب را در سخنرانی بنویسید.
۸. به چه دلایلی برچسب نامطلوب بودن به سخنرانی می‌خورد؟

فعالیت پژوهشی

۱. از طریق مباحثه با دوستان خود و یا شنیدن چند نوار سخنرانی از سخنرانان موفق، شاخصهای سخنرانی مطلوب را تکمیل کنید.
۲. با نظرسنجی از مخاطبان و یا شنیدن چند نوار سخنرانی از سخنرانانی که توفیق چندانی ندارند، شاخصهای سخنرانی نامطلوب را که در این درس بیان شد ارزیابی کنید و بر تعداد آنها بیفزایید.

درس هشتم

اهداف این درس:

۱. شناخت تعریف سخن و اجزای آن؛
۲. آشنایی با اقسام مواد سخنرانی و تعریف هر قسم؛
۳. پی بردن به ارزش و جایگاه استفاده از مواد مختلف در سخنرانی.

* * *

جزء سخن، واحد سخن و سخنرانی

جزء سخن، بخشی از سخن است که غالباً بیش از یک جمله یا عبارت است و برای افاده مقصود - به گونه‌ای که بتوان نام یک سخن تمام بر آن اطلاق کرد - کافی نیست. نسبت جزء سخن به خود سخن، مانند نسبت کلمه به کلام است که حتی اگر مرکب هم باشد، یک کلام محسوب نمی‌شود.

اجزای سخن، ارتباط وثیقی با مجموعه سخن دارند؛ برای مثال، زمانی که یک سخنران، حکایتی را بیان می‌کند تا غرض خود را از بیان آن توضیح ندهد و از آن در مجموعه سخنان خود بهره‌برداری نکند، یک واحد از سخن به حساب نمی‌آید. از این‌رو در مثال فوق، اصل حکایت، یک جزء از سخن است و با همه توضیحات جانبی و بیان ارتباطات آن با بخشهای دیگر سخنرانی، یک واحد از سخن را شکل می‌دهد. سخنرانی، مجموعه‌ای از سخنان است که به هم پیوند خورده‌اند.

مواد سخنرانی و ارزش هر کدام

مواد سخنرانی عبارت‌اند از مطالبی که برای رسیدن به هدف سخنرانی از آنها استفاده می‌شود. هر کدام از مواد سخنرانی، جزئی از سخن هستند و در یک نگاه کلی به دو قسمت تقسیم می‌شوند: الف) اشرف مواد؛ ب) سایر مواد.

الف) اشرف مواد

اشرف مواد، رکن محتوایی سخنرانی محسوب می‌شوند و آن بخش از مطالب و محتواها هستند که سخنرانی بدون آنها، سخنرانی دینی محسوب نمی‌شود.

اشرف مواد در سخنرانی دینی عبارت‌اند از:

۱. قرآن کریم؛

۲. سنت.

هدف از انجام سخنرانی، انتقال پیام قرآن و معصومان علیهم‌السلام یعنی حقیقت معارف الهی به مردم است و در صورتی که از پیام الهی خالی باشد، حقیقتاً نمی‌توان نام سخنرانی دینی بر آن گذاشت. منظور از قرآن، روشن است و منظور از سنت، قول و فعل معصومان علیهم‌السلام است که برای شنوندگان دینی حجت الهی هستند.

چند نکته

در نظر گرفتن نکات ذیل درباره آیات و روایات، لازم است:

۱. شایسته است سخنران مذهبی، هنگام استفاده از قرآن و روایات، اهل تدبّر باشد و برداشتهای دقیق خود و مفسران را نیز ذیل آیات و احادیث بیان کند. چنانچه فقط آیات و روایات را پشت سر هم بخوانیم و از توضیح آنها بپرهیزیم، برای بسیاری از مخاطبان قابل فهم نخواهد بود و مخاطب در بعضی موارد، احساس خشکی در بحث می‌کند.

پس مناسب است که مثلاً در صورت قرائت آیه شریفه «قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَعِيرٌ» * قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ؛^۱ «موسی علیه‌السلام رو به سامری کرد و [گفت: تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟ گفت: من چیزی دیدم که آنها ندیدند.»

توضیح دهیم که این ماجرا بعد از ساختن گوساله سامری و بت پرست شدن مردم در غیاب حضرت موسی علیه‌السلام اتفاق افتاد.

گوساله سه ویژگی داشت:

(الف) در آن هنر بکار رفته بود؛

(ب) مظهر پول و ثروت بود؛ چون از طلا ساخته شده بود؛

(ج) به لحاظ صنعتی ظرافت داشت؛ به این صورت که وقتی از طرف دم در

آن دمیده می‌شد، هوا از دهانش خارج می‌شد.

سامری می‌گوید: من به چیزی رسیدم که آنها نرسیده‌اند. از این آیه استفاده

می‌شود که:

(الف) اگر بعضی از انسانها برخی رموز اشیا را به دست آورند، بقیه انسانها را

به کرنش در مقابل خود وامی‌دارند و هر کس نداند، در مقابل دانا کرنش می‌کند؛

چنان‌که امروز نیز ملت‌های بزرگ و کوچک در مقابل گوساله صنعتی غرب کرنش

می‌کنند.

(ب) یکی از زمینه‌های تهاجم‌پذیری، جهل انسان است؛ از این رو برای

جلوگیری از تهاجم فرهنگی باید به جهل‌زدایی از جامعه نسبت به معارف دینی

پرداخت.

۲. قرآن کریم و سنت، اشرف مواد سخنرانی هستند؛ اما الزاماً چنین نیست که

اگر در یک سخنرانی، با صراحت، متن عربی قرآن و روایات نیامده بود، آن را

سخنرانی دینی ندانیم؛ بلکه ممکن است به دلیل شرایط خاص و مخاطبان ویژه،

سراسر سخنرانی و تأثیراتش قرآنی باشد؛ ولی به ظاهر، یک آیه هم خوانده نشود.

البته همین‌جا متذکر می‌شویم که قرائت عربی آیات و روایات، نورانیت و تأثیر

خاصی دارد؛ از این رو تا سرحد امکان لازم است از متن عربی آنها در سخنرانی

استفاده شود.

۳. قرآن کریم و روایات معتبر معصومان علیهم‌السلام نزد ما و همه کسانی که با آنها

آشنایی دارند، از اشرف مواد است؛ اما برخی مخاطبان، چنین نگاهی به تقلین

ندارند؛ از این رو اگر بخواهیم برای آنان نیز اشرف مواد باشد، نیازمند مقدمه‌چینی

و استدلال در ابتدای سخن هستیم. پس لزوماً به صورت همیشگی از قرآن و روایات در ابتدای سخنرانی استفاده نمی‌شود؛ بلکه به حال مخاطب بستگی دارد.

۴. در بعضی موارد، چنان‌که در بحث راههای ایجاد انگیزه خواهیم گفت، می‌خواهیم موضوع سخنرانی در ابتدای کار مبهم بماند. از سوی دیگر می‌خواهیم آیه یا روایتی را در صدر سخن مطرح کنیم. در چنین شرایطی باید از آیات و روایاتی در شروع سخنمان بهره‌گیریم که موضوع را آشکار نسازند.

ب) سایر مواد

منظور از سایر مواد، آن دسته از مطالب است که در قرآن و حدیث مطرح نیست؛ اما برای تبیین معارف اسلامی و یا جمع‌بندی و ماندگاری آنها در ذهن مخاطب تأثیر دارد.

اشاره کردیم که هدف اساسی از سخنرانی دینی، انتقال مفاهیم و معارف قرآن و سیره و سخن معصومان علیهم‌السلام به مخاطبان است؛ از اینرو استفاده از سایر مواد و استخدام آنها برای بهره‌برداری بهتر و فهم دقیق‌تر معارف الهی است. اگر این مواد، ما را به چنین مقصودی نرسانند نباید جایی را در سخنرانی اشغال کنند.

در یک نگاه کلی به دو هدف از سایر مواد بهره‌گرفته می‌شود:

۱. توضیح و تبیین مفاهیم نظری و تطبیق آنها با واقعیات عینی؛
۲. عنوان‌سازیهای جذاب و ماندگار.

تبیین و تطبیق مفاهیم نظری

بعضی از مباحث نظری دین که در آیات و روایات بیان شده است نیاز به توضیح و تبیین دارند و یا ذکر شواهد عینی و مصداقهای خارجی آنها موجب می‌شود بسیاری از مخاطبان ضمن درک بهتر، انگیزه بیشتری برای عمل به آن آموزه‌ها پیدا کنند.

مثلاً قرآن کریم در باب قرض الحسنه می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ «کیست که به

خدا قرض الحسنه‌ای دهد تا آن را برای او چندین برابر کند؟ و خداوند است که [روزی بندگان را] محدود یا گسترده می‌سازد؛ [و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود.] و به سوی او بازگردانده می‌شوید [و پاداش خود را خواهید گرفت].»

شنوندگان مذهبی، این آیه را از روی تعبد می‌پذیرند؛ اما هنوز برایشان ملموس نشده است که چگونه خداوند قرض الحسنه را چندین برابر می‌کند. برای توضیح، تبیین و ملموس کردن این نظریه دینی می‌توان داستان کسانی را مطرح کرد که پس از قرض دادن، خداوند به مال آنان برکت داده و به صورت محسوسی اموالشان چندین برابر شده است.

این داستانها نه در قرآن آمده است و نه در روایات معصومان علیهم‌السلام؛ ولی از آنها برای ملموس کردن این بحث قرآنی استفاده می‌شود.

برای توضیح و تبیین، و عینی و ملموس کردن مباحث و مفاهیم نظری دین، از موادی مثل: تاریخ، سیره بزرگان، حکایت، داستان، قصه، داستان‌واره، تشبیه، لطیفه و... می‌توان استفاده کرد که به توضیح مختصری درباره آنها می‌پردازیم.

● تاریخ

توجه به تاریخ گذشتگان و سرنوشت انسانهای پیشین و حکایتها و داستانهای آنان از سفارشهای قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام است؛ برای نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ»^۱؛ «بگو: در زمین سیر کنید و سرانجام گذشتگان را ببینید.»

همچنین می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ»^۲؛ «در قصه‌های آنان عبرتی برای صاحبان اندیشه است.»

۱. روم/۴۲.

۲. یوسف / ۱۱۱.

امام علی علیه السلام نیز فرمود: «واعتبر بما مضى من الدنيا لما بقى منها فان بعضها يشبه بعضاً وآخرها لاحق بأولها؛^۱ از آنچه از دنیا گذشته برای باقی مانده آن عبرت بگیر زیرا بعضی از آن به بعض دیگر [ش] شبیه است و پایانش به اولش ملحق می شود.»

معنا و تعریف تاریخ

تاریخ را به صورتهای ذیل، معنا و تعریف کرده اند:

۱. وقت چیزی پدید کردن؛
۲. تعیین کردن مدتی را از ابتدای امری عظیم و قدیم و مشهور تا ظهور امر ثانی که عقب اوست؛
۳. رقمی که زمان را نماید، زمان وقوع واقعه‌ای؛
۴. سرگذشت یا سلسله اعمال و وقایع و حوادث قابل ذکر که به ترتیب از منته تنظیم شده باشد.^۲

چنانکه از معانی فوق پیداست، تاریخ در سیره بزرگان، حکایت و داستان، منحصر نیست؛ مثلاً روز شمار وقایع تاریخی، مثل حوادث بعد از قیام امام حسین علیه السلام نیز تاریخ است و از موارد یاد شده نیز نیست. بیان سیر تحولات اجتماعی در زمان خاص، ذکر ولادتها، شهادتها، و اتفاقات تاریخی دیگر نیز همین گونه است.

● سیره بزرگان

سیره در لغت به معنای طریقه، روش، سنت، مذهب، خو، عادت، خلق، ترتیب، انتظام،^۱ نوع راه رفتن،^۲ هیئت و شکل و قیافه^۳ آمده است.

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، انتشارات دار الهجرة، قم، نامه ۶۹، ص ۴۵۹.

۲. فرهنگ لغت، دکتر محمد معین، ۶ جلدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۱، ج ۱، واژه تاریخ.

۱. همان، ج ۲، لغت سیرت.

در اصطلاح، زمانی یک رفتار، سیره یک فرد به حساب می‌آید که همیشه بر آن مداومت داشته باشد؛ مثلاً اگر می‌گوییم نماز شب خواندن، سیره امام خمینی علیه السلام بود، به این معناست که او بر این رفتار پسندیده مداومت داشت و آن را ترک نمی‌کرد.

مرحوم شهید مطهری تعریف خاصی از سیره دارد و در تعریف آن چنین آورده است: «سیره، عبارت است از سبک و اسلوب و متد خاصی که افراد صاحب اسلوب و سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند. همه مردم سیر دارند؛ ولی همه مردم سیره ندارند؛^۳ یعنی این چنین نیست که همه مردم در رفتار خودشان از یک منطق خاص پیروی بکنند و یک سلسله اصول در رفتار خودشان داشته باشند که آن اصول، معیار رفتار آنها باشد.»^۱

● حکایت

حکایت به معنای بازگفتن از چیزی، بازگفتن چیزی، بازگفتن گفتاری، سخن نقل کردن،^۲ نقل کردن مطلب یا داستانی است، و حکایت کردن به معنای بیان حال کسی کردن، سرگذشت کسی را روایت کردن و... آمده است.^۳

حکایت گاهی به شکل یک داستان کوتاه و در متن یک داستان بلند و گاهی به صورت مستقل می‌آید. در مثنوی فراوان دیده می‌شود که یک داستان کلی در برگیرنده چند حکایت است. مثنوی معنوی و بوستان سعدی دو مجموعه بزرگ

۱. سیری در سیره نبوی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۷ و ۴۸.

۲. لسان العرب، ابن منظور، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۶، ماده سیر.

۳. ایشان سیر را به معنای حرکت، رفتن، راه رفتن و سیره را به معنای نوع راه رفتن گرفته است.

۱. سیری در سیره نبوی، مرتضی مطهری، ص ۶۲ و ۶۳.

۲. لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، تهران، ۱۳۷۳، ج ۶، لغت

حکایت.

۳. فرهنگ لغت، دکتر محمد معین، ج ۱، لغت حکایت.

از حکایات منظوم هستند. حکایت به طور کلی موجز بوده و معمولا حاوی نکته‌ای دقیق است و غالبا در مقام تمثیل یا تفهیم و تقریر مطلبی به کار می‌آید.^۱

● داستان

داستان در لغت به معنای سرگذشت، حکایت، افسانه، قصه، مشهور، زبانزد خاص و عام^۲ آمده است. در اصطلاح، نقل واقعه خاصی است که از تاریخ انتخاب و یا از غیر تاریخ ساخته و به صورت یک واقعه تاریخی با اوجها، فرودها و گره‌های خاصی بیان می‌شود. برخی در تعریف داستان آورده‌اند: «داستان یا ناول^۳ اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال^۱ باشد.»^۲

چنانچه داستان طولانی باشد، به آن رمان و اگر کوتاه باشد، به آن داستان کوتاه^۳ می‌گویند.

داستان کوتاه و رمان را چنین تعریف کرده‌اند:

«داستان کوتاه روایت به نسبت کوتاه خلاقانه‌ای است که نوعا سر و کارش با گروهی محدود از شخصیتهاست که در عمل منفردی شرکت دارند.»^۴

و رمان عبارتست از: «روایت خلاقه‌ای با طول شایان توجه و پیچیدگی خاص که با تجربه انسانی همراه با تخیل سر و کار داشته باشد و از طریق توالی حوادث بیان شود و در آن گروهی از شخصیتها در صحنه مشخصی شرکت داشته باشند.»^۵

۱. انواع ادبی، سیروس شمیسا، انتشارات فردوسی، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۲. فرهنگ لغت، دکتر محمد معین، ج ۲، لغت داستان.

۳. Novell.

۱. Fiction.

۲. انواع ادبی، سیروس شمیسا، ص ۱۷۱.

۳. Short Story.

۴. عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات سخن، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۶.

۵. همان، ص ۲۴.

در سخنرانی دینی می‌توان از داستان کوتاه و یا بخشی از یک رُمان استفاده کرد.

● قصه

قصه در لغت به معنای حکایت، داستان، سرگذشت،^۱ سخن، مرافعه و دعوا آمده است. قصه پرداختن به معنای داستان گفتن، روایت قصه کردن^۲ و... است.^۳ در قصه بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و تکوین آدمها و شخصیتها تأکید می‌شود و محور ماجرا بر حوادث خلق الساعه می‌گردد. حوادث، قصه را بوجود می‌آورند و رکن اساسی و بنیادی آن را تشکیل می‌دهند بی‌آنکه در گسترش و رشد قهرمانها و آدمهای قصه نقشی داشته باشند. به عبارت دیگر، شخصیتها و قهرمانها، در قصه کم‌تر دگرگونی می‌یابند و بیشتر دستخوش حوادث و ماجراهای گوناگونند. قصه‌ها اغلب پایانی خوش دارند و در آنها خوبیها بر بدیها پیروز می‌شوند.^۱

● داستان‌واره

در کتابهای لغت معنایی برای داستان‌واره ذکر نکرده‌اند؛ اما برخی از محققین، بین داستان و قصه و داستان‌واره تفاوت قائلند و داستان‌واره را شبه داستان می‌دانند؛ چیزی شبیه انشائی که دانش‌آموزان مدارس می‌نویسند و غالباً گرد محور صحنه یا شخصیت مجردی می‌گردد و از اوضاع و احوال حرف می‌زند و چگونگی یک شیء، مکان و یا شخصی را توصیف می‌کند.^۲ سیره بزرگان، حکایت و داستان - تا آنجا که در سخنرانی دینی از آنها استفاده می‌شود - زیر مجموعه تاریخ هستند؛ ولی به دلایل ذیل، جداگانه ذکر شده‌اند:

۱. مانند: با عقل خود گر جفتمی، من گفتنیا گفتمی / خاموش کن تا نشنود این قصه را باد هوا.

۲. مانند: نماز شام غریبان چو گریه آغازم / به مویه‌های غریبانه قصه پردازم.

۳. فرهنگ لغت، دکتر محمد معین، ج ۲، لغت قصه.

۱. عناصر داستان، جمال میرصادقی، ص ۲۲.

۲. ر. ک: ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، انتشارات علمی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۴۳ - ۳۴۶.

۱. موارد یاد شده از اهمیت ویژه‌ای در سخنرانی برخوردارند؛ از این رو به عنوان ذکر خاص بعد از عام می‌توان به آنها به‌طور ویژه توجه کرد.
۲. در سیره بزرگان، حکایت و داستان، وقتی به صورت تبلیغی بیان می‌شوند، صنعتی به‌کار گرفته می‌شود که در تاریخ‌نگاری یا بیان تاریخ وجود ندارد.
- برای توضیح و تبیین مفاهیم نظری و تطبیق آنها با واقعیات عینی، از مواد دیگری نیز استفاده می‌شود که در درس بعد به آن اشاره می‌شود.

پرسش‌نامه

۱. منظور از واحد سخن و جزء آن چیست؟ توضیح دهید.
۲. اقسام مواد سخنرانی را نام برده، هر یک را تعریف کنید.
۳. اشرف مواد سخنرانی کدام‌اند؟
۴. توجه به چه نکاتی درباره آیات و روایات در سخنرانی دینی لازم است؟
۵. منظور از سایر مواد چیست و به چه هدفی از آنها در سخنرانی دینی استفاده می‌شود؟
۶. برای توضیح و تبیین مفاهیم نظری و تطبیق آنها با واقعیتهای عینی از چه موادی در سخنرانی استفاده می‌شود؟
۷. معنا و تعریف تاریخ را بنویسید.
۸. منظور از سیره چیست؟ توضیح دهید.
۹. حکایت، داستان، قصه و داستان‌واره را تعریف کنید.

فعالیت پژوهشی

با راهنمایی استاد خود، نمونه‌هایی از آیات، روایات، تاریخ، سیره بزرگان، حکایت، داستان و داستان‌واره را فیش‌نویسی تبلیغی کرده و در صورت امکان در کلاس درس یا مباحثه دوستانه، درباره مناسب بودن و نحوه استفاده از آنها در منبر تبادل نظر کنید.